اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.

خودکشی مرگبار در دانشگاه الزهرا

دختر جوان خودش را از طبقه هشتم یک ساختمان اداری در دانشگاه الزهرا به پایین پرتاب کرد و جان باخت. ساعت ۱۰:۴۵ صبح شنبه ماموران کلانتری ۱۴۵ ونک در تماس با بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام کردند دختر ۳۴ ساله‌ای در دانشگاه الزهرا خودکشی کرده و به کام مرگ فرورفته است. بنابر اظهارات ماموران و طی بررسی‌های اولیه مشخص شد متوفی، فارغ‌التحصیل سال ۹۱ و دانشجوی رشته فلسفه و کلام اسلامی این دانشگاه بوده که صبح دیروز از پله‌های اضطراری طبقه هشتم یک ساختمان در بخش اداری این دانشگاه خود را به پایین پرتاب کرده و به کام مرگ فرورفته بود. بررسی لوازم همراه متوفی نشان داد وی داروهای بیماران دارای مشکلات اعصاب و روان را همراه خود داشته است. در نهایت با دستور محسن مدیرروستا؛ بازپرس ویژه قتل پایتخت جسد متوفی به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات درباره این پرونده ادامه دارد.

یادداشت

فساد اجاره‌ای در تهران

فرزاد شاه‌حیدری- کارشناس فناوری اطلاعات | احتمالا در معابر ورودی شهرهای توریستی به‌ویژه در شمال کشور، شاهد اجاره روزانه ویلا و خانه‌های مسکونی توسط مسافران و گردشگران هستید؛ اما به دلیل وجود هتل‌ها و مسافرخانه‌های فراوان اجاره روزانه خانه‌های مسکونی در کلانشهر تهران کمی عجیب به‌نظر می‌رسد.

با بررسی سایت‌های اینترنتی و صفحات مجازی شاهد آگهی‌های متعددی هستیم که انواع منازل مسکونی و ویلا این‌بار نه در شهرهای توریستی بلکه در شهر تهران وحومه آن و آن‌هم در مدت زمان‌های کوتاه به بهانه‌های گوناگون اجاره داده می‌شود؛ که البته برخلاف هتل‌ها و مسافرخانه‌ها از متقاضیان مدارک شناسایی مصوب دریافت نمی‌کنند.

طی تماسی که با چند آگهی در این خصوص داشتیم، دریافتیم که فقط با تصویر یک کارت ملی که گاهی به صورت آنلاین در فضای مجازی ارسال می‌شود، می‌توان خانه‌ای در مناطق مختلف تهران با قیمتی روزانه از چندصدهزار تومان تا چندمیلیون تومان اجاره کرد. شرط دیگر این منازل اجاره‌ای، عدم برگزاری میهمانی است اما نسبت افرادی که در آن منازل اسکان پیدا می‌کنند، اهمیتی ندارد و البته برای میهمانی‌ها، باغ‌ها و ویلاهای اطراف شهر تهران را پیشنهاد می‌کنند و مدعی هستند که هیچ مزاحمتی از جانب هیچ‌کس برای این گونه مراسم ایجاد نخواهد شد.

در ادامه پیگیری‌ها، با صاحبان این آگهی‌ها گفت‌وگو کردیم و متوجه شدیم این خانه‌ها برای برگزاری جلسات به‌ویژه برخی شرکت‌ها و اسکان مسافران از شهرهای دیگر و خوشگذرانی شبانه تعدادی از جوانان نیز استفاده می‌شود.

در گفت‌وگو با «رئیس مرکز اطلاع‌رسانی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ»، مطلع شدیم پرونده‌هایی در پلیس تشکیل شده که جرایمی در این منازل که بیشتر آنها به صورت روزانه اجاره می‌شود، روی داده است.

سرهنگ «بابک نمک‌شناس» در این خصوص گفت که برخی مجرمان با اجاره این منازل اقدام به کلاهبرداری، فریب و گاهی اغفال طعمه‌های خود کرده و با معرفی این منازل به‌عنوان منزل شخصی یا شرکت خصوصی از طعمه‌های خود سوءاستفاده می‌کنند که البته در بسیاری از این جرایم، متهمان توسط پلیس پایتخت دستگیر شده‌اند.

در همین زمینه می‌توان به نمونه‌های زیادی اشاره کرد؛ در یکی از این پرونده‌ها، متهم با فریب بانوان درفضای مجازی و اعتمادسازی، فریب‌خوردگان را به منزلی که به این شکل اجاره کرده بود، دعوت کرده و با استفاده از نوشیدنی‌های مسموم آنها بیهوش کرده و مورد آزار و اذیت قرار می‌داد و پس از آن، با سرقت زیورآلات و اموال قیمتی‌شان، از محل می‌گریخت. با این حال، هستند مجرمان و صاحبان شرکت‌های هرمی، صوری و کاغذی که همواره از این بسترها برای برگزاری به ظاهر جلسات‌شان تحت عناوین مختلف از جمله شرکت‌های مختلف استفاده کرده و اقدام به کلاهبرداری می‌کنند و شهروندان باید درصورت مراوده با افراد ناشناس و شرکت‌های خصوصی از اعتماد بی‌جا به آنها بپرهیزند و قبل از انجام هرگونه فعالیت اقتصادی و تجاری، از قانونی بودن فعالیت شرکت‌ها اطمینان حاصل کرده و مراقب باشند که ظواهر و زرق‌وبرق شرکت‌ها به معنای قانونی بودن شرکت‌ها و موجه‌بودن افراد نیست.

توجه به این نابسامانی موجود در بازار اجاره مسکن به‌ویژه در کلانشهر تهران از این جهت دارای اهمیت است که درصورت عدم نظارت بر این نوع معامله‌های مسکن که به صورت کوتاه‌مدت و بدون مدارک مصوب انجام می‌شود، احتمالا شاهد افزایش این نوع جنایت‌ها و افزایش فساد خواهیم بود و بعید نیست از اجاره‌های روزانه به اجاره‌های ساعتی مسکن نیز برسیم. قطعا فضای مجازی نیز در رونق این نوع کسب‌وکار بی‌تأثیر نیست، زیرا این نوع اجاره در سازوکار سنتی بنگاه‌های معاملات مسکن به این شکل امکان‌پذیر نیست، اما نمی‌توان نوک پیکان اتهام را به سوی فضای مجازی گرفت، زیرا می‌توان با طراحی سامانه برخط نظارت (آنلاین) و ثبت این نوع معاملات مسکن علاوه بر ردگیری این نوع معاملات از اصالت مدارک ارایه‌شده در این نوع معاملات اطمینان حاصل کرد.

روایت زندگی هولناک دختری که دو بار مورد تجاوز قرار گرفت و باردار شد

من روشنک؛ ۱۳ سال دارم

میترا شکری | ترسناک، وحشت‌آفرین، تکان‌دهنده، هولناک؛ هر کدام از این کلمات به تنهایی برای نشان دادن عمق هر فاجعه‌ای کفایت می‌کند، اما آنها حتی کنار هم نمی‌توانند حق مطلب را درباره عمق جنایاتی که بر روشنک رفته، ادا کنند. دخترک ۱۳ ساله‌ای که نه چیزی از مادر بودن می‌داند، نه حسی نسبت به آن دارد. تنها خواسته‌اش خلاص شدن از جنینی است که در بطن او نفس می‌کشد. روایت زندگی روشنک شبیه فیلم‌هایی است که پند و نصیحتی را به گل‌درشت‌ترین شکل در چشم مخاطب فرو می‌کند. اما این‌جا خبری از فیلم نیست و «واقعیت» به شکل کوبنده‌ای به شنونده سیلی می‌زند. گزارش کوتاه زندگی روشنک را با پیش‌فرض دختری که ۱۳ سال دارد، نخوانید. این‌جا یک نفر «جوانمرگ» شده است.

الگویی به اسم مادر

روشنک می‌توانست الان یک آدم دیگر باشد؛ نگرانی‌اش خلاصه شود در امتحانات دی‌ماه سال هفتم متوسطه، یا دختری که به کیف جدید خواهرش حسادت می‌کند و غصه بزرگش این است که چرا همکلاسی‌اش دیگر دوست ندارد کنار دست او بنشیند. غصه‌های یک دختر ۱۳ ساله معمولا همین قدر ساده است، اما روشنک در چنان پیچ‌های تندی در زندگی‌اش گرفتار شده که آدم‌بزرگ‌ها را هم راهی پرتگاه می‌کند، چه برسد به دختری با این سن و سال.

«می‌خواستم مثل مامان خوشگل بشم»؛ این سرآغاز تمام بدبختی‌های روشنک است. او زمانی که قدرت و زیبایی مادرش را دید، تصمیم گرفت مثل او شود. «مثل او شدن» شد تمام فکر و ذکر روشنک: «با مامانم که توی پاتوق‌ها می‌رفتیم، همه ازش حساب می‌بردن. دست بزن داشت. وقتی اعصابش به هم می‌ریخت دیگه هیچ چیزی جلودارش نبود. همه دلشون می‌خواست با مامان من صحبت کنن و کنارش باشن. واسه همین من همیشه دلم می‌خواست مثل مامانم باشم.»

اعتیاد در هفت‌سالگی

خوشگل و قدرتمند بودن روشنک را از همان روزهای اول به سمت و سوی دیگری برد: «دوست مادرم من رو معتاد کرد. سر یه مردی با هم اختلاف داشتن و دوستش هم برای این که ازش انتقام بگیره، به من مواد داد. هفت‌سالگی اولین مرتبه‌ای بود که هرویین کشیدم. تا صبح اون روز خون بالا آوردم، اما با خودم می‌گفتم اگه مواد بکشم، مثل مامانم می‌شم.»

رویای شبیه مادر شدن روشنک را راهی پاتوق‌های مواد مخدر کرد. ساقی‌های مواد مخدر همان کاری را در حق دختر هفت‌ساله کردند که در بدترین حالت در حق استخوان خُرد کرده‌های اعتیاد می‌کنند. اول به او مواد رایگان دادند، زمانی که به قول معروف «افتاد توی تسبیح» رهایش کردند تا به هر طریقی شده به آنها پول برساند. او که پولی در بساط نداشت، شروع کرد به مایه گذاشتن از تنش، بدون این که اصلا بداند چه می‌کند.

«مامانم اوایل نفهمید که من معتاد شدم. منم تفریحی می‌کشیدم. یه مدتی که گذشت مصرفم شد هر روز. خواهرم که ازدواج کرد و رفت، پدرم به جرم دزدی به زندان افتاد و من موندم و مادرم. جایی برای زندگی نداشتیم. رفتیم خونه مردی که دوست مادرم بود. قبلا هم مدتی توی خونه‌اش زندگی کرده بودیم و کاری به کار من نداشت، اما این دفعه آخر اذیتم کرد.»

راست می‌گوید. او این‌بار دختر ۱۲ ساله معتادی بود که راهی خانه مردی شد که خیلی از انسانیت بویی نبرده بود. روزهای اول روشنک همراه مادرش می‌رفت در خیابان و از مردم کمک می‌خواست تا یک لقمه نان و مقداری پول دستش را بگیرد. او چندین جمله کنار هم می‌نشاند تا از کلمه گدایی استفاده نکند و به جایش بگوید «کمک‌خواستن». اما یک روز همه چیز فرق کرد. مادری که اصلا نمی‌دانست فرزندش در چه گردابی گیر کرده، خانه را بدون روشنک ترک کرد؛ دخترک شروع کرد به باز کردن «گله‌ای» هرویین که به هزار زحمت خریده بود و در همان لحظه، پیرمرد صاحبخانه از راه رسید و تهدیدها از همان لحظه شروع شد: «وقتی فهمید مواد دارم، بهم گفت باید با من راه بیای تا به مامانت نگم معتادی. منم می‌ترسیدم لو برم، واسه همین قبول کردم کاری که می‌گفت رو انجام بدم.»

بدون هیچ حسی

آدم‌ها معمولا زمانی که از تجاوز صحبت می‌کنند، زمانی که خاطرات یک شکنجه روحی و جسمی برای‌شان تداعی می‌شود، تُن صدای‌شان عوض می‌شود، اشک می‌ریزند. در بدترین شرایط حتی اگر خیلی سنگ شده باشند، لحظه‌ای به فکر فرو می‌روند، اما روشنک از این دست آدم‌ها نیست. چنان سردی و غمی در دلش رخنه کرده که حتی خودش را سزاوار ترحم هم نمی‌داند.

> روشنک بعد از این که از همه جا رانده و مانده شد، در پارکی که به پاتوقش تبدیل شده و به نیمی از آرزوی «شبیه مادرش شدن» جامه عمل پوشانده بود، با دو نفر آشنا شد که دامنه خلاف‌های آنها پای روشنک را هم گرفت. این‌بار علاوه بر تجاوز و بارداری، یک چیز دیگر هم وجود داشت؛ فیلمبرداری در حین تجاوز

تجاوز؛ حاصل تمام نداشتن‌ها و نبودن‌های زندگی روشنک بود. «اولین‌بار اون جا به من تجاوز شد. به مادرم چیزی نگفتم، چون می‌ترسیدم مواد کشیدنم لو بره، اونم بابت همین مسأله از من باج می‌گرفت. یک مدتی که گذشت با پسری آشنا شدم که پولدار بود. بهم گفت که از دست اون پیرمرد نجاتم می‌ده. باورم شده بود، اما اونم استفاده‌هاش رو از من کرد و رفت.» شنیدن این جنس جملات از دهان دختری ۱۳ ساله تناقض عجیبی را در ذهن شنونده به وجود می‌آورد و این تناقض زمانی نفسگیر می‌شود که نگاهی به برآمدگی روی شکمش می‌کنی و می‌شنوی که این بچه دوم اوست که قرار است مانند همان بچه راهی آن دنیا شود: «اولین‌بار از اون پسره باردار شدم. من که چیزی نمی‌دونستم، فقط می‌دیدم که حالت تهوع دارم و ورم کردم. اون پسره بهم گفت که حتما باردار. رفتیم یه دکتری توی جنوب شهر. اون جا بهم آمپول زد و بچه سقط شد.»

کسی نمی‌داند

وزن روشنک روی هم رفته، الان که باردار است و هشت روز از پاکی‌اش می‌گذرد، از ۴۰ کیلو تجاوز نمی‌کند. نمی‌دانم دو سال قبل، در حالی که اعتیاد داشته، چطور توانسته سقط جنین را تاب بیاورد و چیزی بروز ندهد: «هیچ‌کس نمی‌دونه چه بلاهایی سر من اومده. خواهرم رابطه‌ای با ما نداره، پدرم زندانه و خیلی وقته از مادرم خبری ندارم. من قبل از این که باردار بشم از خونه اون مردی که بهم تجاوز می‌کرد، فرار کردم تا دستش بهم نرسه. وقتی هم بچه رو سقط کردم، خودم تنها بودم. پسری که پدر بچه بود منو رها کرد و رفت. بچه که سقط شد، رفتم توی پارکی که شده بود پاتوقم. همون زنی رو که اولین‌بار مواد دستم داده بود، تو اون پارک دیدم. کارتن خواب بود. رفتم پیشش و چند وقتی اون جا موندم، اما بیرونم کرد. فکر کنم هنوز از مامانم متنفر بود.»

روشنک بعد از این که از همه جا رانده و مانده شد، در پارکی که به پاتوقش تبدیل شده و به نیمی از آرزوی «شبیه مادرش شدن» جامه عمل پوشانده بود، با دو نفر آشنا شد که به قول خودش «خلاف می‌کردن». دامنه خلاف‌های آنها پای روشنک را هم گرفت و کشید در مردابی که چند ماه قبل به سختی از آن خلاص شده بود. اما این‌بار علاوه بر تجاوز و بارداری، یک چیز دیگر هم وجود داشت؛ فیلمبرداری در حین تجاوز.

شکنجه‌شدم

«دونفر بودن که به من تجاوز کردن. ازم فیلم گرفتن و گفتن اگه به کسی بگم، فیلمم رو پخش می‌کنن. برای بار دوم از پیش اونا هم فرار کردم. الان هم حامله‌ام. دکتر که رفتم گفت بچه دو ماهشه. تنها آرزوم اینه که زودتر از شرش خلاص بشم. هیچ آرزویی ندارم جز این که مشکل بچه حل بشه.»

لابه‌لای صحبت‌های‌مان مدام از آرزوهای روشنک می‌پرسم، آرزویی ندارد؟ ندارد. مدتی که می‌گذرد، باز سعی می‌کنم از یک زاویه دیگر گریزی بزنم به چیزی که پس ذهنش می‌گذرد. مثلا ردی پیدا کنم از عاطفه‌ای که ممکن است نسبت به بچه‌هایش داشته باشد، اما خبری نیست. در دل او هیچ لرزشی نسبت به فقدان این بچه‌ها وجود ندارد.

روشنک هشت روز قبل خودش را به یکی از کمپ‌های زنانه تهران رساند. شکوه خانم می‌گوید: «روز اولی که روشنک را به کمپ آوردند به سیگار و هرویین اعتیاد داشت. از همان روز اول سعی کردیم این دو ماده را حذف کنیم و خدا را شکر تا الان موفق بوده‌ایم. با توجه به تعرض‌ها، شکنجه‌ها و مشکلاتی که در این مدت برایش به وجود آمده، نمی‌توانیم رهایش کنیم تا دوباره کارش به باغ‌ها و سوله‌های ترسناکی برسد که جز وحشت برای او چیزی ندارند.»

فرزند فرد خاطی از مدرسه اخراج شد!

براساس آخرین اخبار از پرونده تعرض به دانش‌آموزان مدرسه‌ای در اصفهان، قصور مدیر مدرسه در این ماجرا محرز شده است، اما با وجود این، دادستان اصفهان می‌گوید تاکنون مستنداتی مبنی بر تجاوز به دانش‌آموزان به دست نیامده و پرونده فعلا در حد کودک‌آزاری و تهدید دانش‌آموزان مطرح است. هفته گذشته خبری مبنی بر تجاوز و آزار جنسی دانش‌آموزان مدرسه‌ای در اصفهان در رسانه‌ها بازتاب گسترده‌ای داشت. اهمیت مسأله به‌حدی بود که کمیسیون آموزش مجلس، فاطمه سعیدی را مامور بررسی موضوع کرد که او با بیان این که نتیجه بررسی پرونده به‌زودی اعلام می‌شود، گفت: «طبق پیگیری‌هایی که انجام دادم، مسأله به‌نحوی که در فضای مجازی مطرح شده نیست. گواهی پزشکی قانونی، موردی مبنی بر عمل جنسی ندارد.» علی اصفهانی، دادستان عمومی و انقلاب اصفهان نیز در مورد آخرین وضع این پرونده به ایرنا گفت: «چهار کودکی که والدین آنها ادعای کودک‌آزاری و آزار جنسی داشتند، به پزشکی قانونی معرفی شده‌اند، ولی حسب گواهی پزشکی قانونی، نشانه‌ای دال بر انجام عمل جنسی وجود ندارد و پرونده فعلا در حد کودک‌آزاری و تهدید دانش‌آموزان مطرح است.» او با بیان این که متهم تاکنون هیچ یک از موارد اتهام را نپذیرفته است، گفت: «او مدعی است این اتهامات تهمت است و این ماجرا به دلیل اختلافش با مادر یکی از دانش‌آموزان مطرح شده است. واقعیت امر این است که شواهد نشان می‌دهد چنین اختلافاتی وجود داشته است. ولی ما در حال بررسی موضوع هستیم. با توجه به گنجایش یک هفته‌ای حافظه دوربین‌های مداربسته، دستور ریکاوری فیلم‌ها نیز داده شده که در صورت وجود موارد، بررسی خواهد شد.» به گفته اصفهانی، در گوشی متهم نیز هیچ فیلم مستهجنی یافت نشده، ولی تحقیقات و بررسی در این زمینه ادامه دارد. او با بیان این که در ادعای دانش‌آموزان نیز موارد ضد و نقیض زیاد است، گفت: «با توجه به این موضوع، نمی‌توان به صورت متقن نظر داد و باید بررسی‌های بیشتر صورت گیرد.» به گفته دادستان اصفهان، اگرچه موضوع قصور و اهمال مدیر مدرسه قابل انکار نیست، ولی تاکنون مدرکی دال بر ارتباط مدیر مدرسه با متهم و معاونت در اتهامات مذکور احراز نشده است. اما عبدالرضا رئیسی، معاون تربیت بدنی و سلامت اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان در مورد آخرین جزییات پرونده کودک‌آزاری دانش‌آموزان مدرسه‌ای در اصفهان می‌گوید: «مدیر مدرسه به دلیل قصور در انجام وظایف اخراج شده است، چون اعضای انجمن اولیا و مربیان در شرایط خاص و موارد لزوم باید در مدرسه حضور داشته باشند و این که یک فرد به‌طور مداوم در مدرسه باشد، پذیرفتنی نیست و بی‌توجهی مدیر مدرسه است.» او که این صحبت‌ها را در برنامه نقد و نظر رادیو اصفهان اعلام کرده است، با تکذیب این خبر که گفته می‌شود فرزند فرد مذکور دوسال پیش از مدرسه رفته است ولی متهم همچنان در انجمن اولیا و مربیان عضویت داشته، گفت: «زمانی که این ماجرا مطرح شد، بلافاصله فرزند فرد خاطی که دانش‌آموز مدرسه بود، از مدرسه اخراج شد.»

سرنوشت امیر و حسام و یک قبضه وینچستر در جنت آباد

شهروند | دو برادر سابقه‌دار که در پوشش مأمور و تهدید سلاح گرم اقدام به سرقت می‌کردند از سوی ماموران پلیس دستگیر شدند.

ساعت ۱۴ روز پنجشنبه ۷ آذرماه مردی دستبند به دست به واحد گشت کلانتری ۱۳۷ جنت آباد مراجعه کرد و عنوان داشت از دست دو سارق مأمور نما گریخته است. این شخص پس از انتقال به کلانتری در اظهاراتش به مأموران گفت: «سرنشینان یک خودرو سمند سفید در حالی که اسلحه و دستبند داشتند، در خیابان جنت آباد جلو مرا گرفتند و بدون نشان دادن کارت شناسایی و ضمن معرفی خود به عنوان مأمور اقدام به زدن دستبند به دستانم کرده و مرا سوار خودرو کردند؛ آنها سپس گوشی تلفن همراه، کارت‌های بانک و پول مرا گرفتند. زمانی که مرا سوار خودرو کردند، سرنشینان سمند بر خلاف رفتار مأموران واقعی اقدام به گرفتن رمز عابر بانک‌ها کرده و در مقابل یک دستگاه خودپرداز توقف کردند تا رمز کارت عابر بانک‌ها را امتحان کنند؛ دیگر اطمینان پیدا کردم که آنها مأمور نیستند و به همین علت در یک لحظه از متوقف بودن خودرو در کنار خیابان استفاده کرده و در حالی که به دستانم دستبند زده شده بود از سمند پیاده شده و فرار کردم.» با تشکیل پرونده مقدماتی و با انجام اقدامات ویژه پلیسی، بهره‌گیری از اظهارات مالباخته و تصاویر به دست آمده از دوربین‌های مداربسته بانکی یکی از مجرمان سابقه‌دار به نام امیر ۳۴ ساله شناسایی شد که پیش از این بارها به اتهام «سرقت تحت پوشش مأمور» و «سرقت مسلحانه» دستگیر و روانه زندان شده بود و آخرین بار نیز به اتهام «آزار و اذیت جنسی» دستگیر و سال گذشته از زندان آزاد شده بود. با شناسایی تصویر امیر به‌عنوان یکی از سرنشینان خودرو سمند سفید رنگ، کارآگاهان اداره یکم با انجام اقدامات پلیسی اطلاع پیدا کردند که برادر «امیر» به نام «حسام» ۳۶ ساله نیز یکی از مجرمان سابقه‌دار در زمینه سرقت داخل خودرو است که البته یک خودرو سمند سفید در اختیار دارد. در ادامه

رسیدگی به پرونده کارآگاهان ساعت ۱۰ روز شنبه ۱۷ آذرماه موفق به دستگیری هر دو برادر شدند؛ در بازرسی از مخفیگاه متهمان، کارآگاهان موفق به کشف چندین پلاک دارای سابقه سرقت، چراغ گردان، یک قبضه اسلحه وینچستر و یک دستگاه موتورسیکلت ns دارای سابقه سرقت شدند. در بررسی سابقه موتورسیکلت مسروقه نیز مشخص شد که متهمان این موتورسیکلت را پس از شناسایی آن در سایت دیوار و تماس با فروشنده مالک موتورسیکلت، در پوشش خریدار و به شیوه مسلحانه در زمان قرار ملاقات با مالک آن جهت خرید موتورسیکلت سرقت کرده‌اند. متهمان که هر دو نفرشان اعتیاد شدیدی به مصرف مواد مخدر از نوع شیشه دارند، پس از دستگیری و انتقال به اداره یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ به سرقت تحت پوشش مأموران همراه با تهدید سلاح گرم اعتراف کرده و در ادامه تحقیقات به سرقت‌های مشابه در مناطق مختلف شهر تهران به‌ویژه در الهیه، محدوده اتوبان همت اعتراف کردند.

آگهی ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۲۷۰۰۱۰۰۱۶۰۷ مورخه ۱۳۹۷/۰۹/۱۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مهدی مغانلو فرزند ایوب به شماره شناسنامه ۴۷۶۸۱ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۴۶ متر مربع به پلاک ۱۱ فرعی از ۷۲ اصلی مفروز واقع در بخش ۷ زنجان خریداری از مالک رسمی آقای زلفعلی حسینی محرز گردیده است .

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند . بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۹۷/۰۹/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۹۷/۱۰/۰۴

مجتبی محمدلو
رئیس ثبت اسناد و املاک استان زنجان